

مراسم عروسی در منطقه لامرد و مهر فارس

جواد عسکری چاوردی

خواستگاری

با یکدیگر، خانواده دختر از خانواده پسر اجازه تصمیم گیری می‌خواهند. این مدت ممکن است یک تا دو هفته به طول بینجامد. خانواده دختر در ابتدا با خود دختر مشورت (لازم به یادآوری است که در مرحله اول خواستگاری، نه پسر و نه دختر، هیچ کدام حضور ندارند و در بحث‌ها هم دخالتی ندارند) و بعد از شنیدن جواب مثبت از طرف دختر، با خویشاوندان دختر نیز مشورت می‌کنند. گاهی اوقات پیش می‌آید که یکی از خویشاوندان با این ازدواج به دلایلی مخالفست کرده، در نتیجه ازدواج به سرانجام نمی‌رسد. بعد از اینکه خانواده دختر مشورت کردند و تصمیم نهایی را برای گرفتن بله گرفتند، به اطلاع خانواده پسر می‌رسانند که در شبی معین به خواستگاری رسمی بیایند که در اصطلاح محلی به آن «دست شرط» می‌گویند.

منطقه لامرد و مهر در جنوب استان فارس واقع است. مراسم عروسی^۱ در این شهرستان به دلیل وسعت کم آن، تقریباً در همه مناطق به یک شیوه برگزار می‌شود. هرچند که اختلافات جزئی نیز وجود دارد. قبل از خواستگاری، پسر معمولاً از قبل، دختر مورد علاقه‌اش را دیده، پسندیده و بعد از آن به خانواده خود اطلاع می‌دهد. در بعضی موارد، افراد بزرگ خانواده مثل پدر و مادر به پسر پیشنهاد می‌دهند که فلان دختر را برای وی خواستگاری کنند. بعد از این مرحله، خانواده خواستگار که پسر همراه آنها نیست، برای خواستگاری به منزل دختر می‌روند. در خواستگاری اولیه، هیچ نوع گل و یا شیرینی به خانه دختر برده نمی‌شود. بعد از توضیحات و آشنایی اولیه دو خانواده

۱. عروسی را در شهرستان لامرد و مهر «عیش» می‌نامند و لفظ عروسی به ندرت استفاده می‌شود و کلمه‌ای جدید است. همچنین در این شهرستان عروس را «بیگ» می‌نامند و عروس و داماد، «بیگ و دوما» نامیده می‌شوند.

دست شرط

در این مرحله که خواستگاری رسمی است و داماد نیز حضور دارد، خانواده داماد یک انگشتر و مقداری

پارچه به رسم «نشانی» در دستمال چهارگوشی که به آن «سارُخ» [sârox] می‌گویند گذاشته و به خانه دختر می‌برند. در اینجا داماد انگشتر را به عروس هدیه می‌دهد. این هدیه را «ری‌گوشون» می‌نامند.^۱ یکی از پارچه‌هایی را که هدیه آورده‌اند نیز به اندازه قد دختر برش می‌زنند تا برای دوخت آماده شود. بعد از مرحله دست‌شروط ممکن است که تا چند ماه و گاهی تا یک سال، دختر و پسر با هم رفت و آمد داشته باشند و خطبه عقد هم جاری نشده باشد. (در گذشته‌های دور اگر عقد هم صورت می‌گرفت، باز هم تا روز عروسی، داماد و عروس حق دیدار با یکدیگر را نداشتند). معمولاً سعی می‌شود که مراسم عقد زود برگزار شود.

کاوین‌برون [kâvinborun] یا عقدکنان

مراسم عقد در لامرد، «کاوین‌برون»، «کاوین‌برون» یا «کاوین‌برون»، «کابین‌برون»، «کاغذگیرون» یا «اذن‌گیرون» نامیده می‌شود. در مراسم کاوین‌برون، یک نفر عاقد برای جاری کردن صیغه عقد به منزل دختر می‌آورد و خطبه عقد جاری می‌شود. در گذشته، مراسم کاوین‌برون تقریباً بدون تشریفات صورت می‌گرفت؛ زیرا سفره عقدی در کار نبود و عروس و داماد هم هیچ نوعی آرایشی نمی‌کردند. در این مراسم بزرگان خانواده دو طرف به عنوان شاهد حضور دارند. میزان مهریه‌ها معمولاً بسیار ناچیز است (رسم مهریه کم، امروزه نیز

رایج است و اغلب خانواده‌ها آن را رعایت می‌کنند). بعد از جاری شدن خطبه عقد، بستگان داماد، پول، نقل و شیرینی بر سر داماد (چنانچه حضور داشته باشد) و عروس می‌ریزند و هدایایی را که اغلب طلاست به عروس می‌دهند.

مراسم لک‌برون^۲ [lakborun]

مراسم «لک‌برون» مدت زمانی کوتاه یا چند ماه بعد از مراسم کاوین‌برون (عقد) صورت می‌گیرد. به طور کلی می‌توان گفت که مراسم لک‌برون یک مراسم کاملاً زنانه است که اغلب اوقات حتی داماد هم در این مراسم حضور ندارد. در این مراسم که نوعی هدیه بردن پارچه و لباس برای خانواده عروس است، در ابتدا خانواده داماد یک سری هدیه که اغلب شامل پارچه، لباس، روسری، عطر و غیره است برای عروس و خانواده وی و همچنین بستگان عروس تهیه می‌کنند. در بعضی موارد به دلیل کثرت بستگان عروس که بیشتر زنان هستند، هدایای زیادی باید خریداری شود. اما در کل به توان مالی داماد و خانواده‌اش بستگی دارد. کلیه هدایا را در پارچه‌ای زیبا که «سارُخ» نام دارد گذاشته و با شادی و هلله به خانه عروس می‌برند. سارُخ را معمولاً خواهر داماد بر روی سر می‌گذارد. قبل از بردن سارُخ خویشاوندان داماد به رسم هدیه پارچه‌ای را آورده، در سارُخ می‌گذارند و لای پارچه‌ها را کمی نمک و یا جو می‌ریزند (نمک برای جلوگیری از چشم‌زخم و جو برای

۱. ری‌گوشون: ری‌گوشون یعنی رو گشادن و منظور از آن این است که عروس رو نکیرد و احساس خجالت نکند. ری در گویش لامردی به معنای رو است. در حجله هم داماد به عروس ری‌گوشون می‌دهد.

۲. لک در گویش لامردی به پارچه می‌گویند. معنای کلی «لک‌برون» یعنی پارچه بریدن.

سبزی و شادابی. زیرا جو را مظهر سبزی و طراوت می‌دانند). در خانهٔ عروس بعد از ریختن نقل و شیرینی و پول بر سر عروس، پارچه‌ها را به صورت نمادین به اندازهٔ قد عروس کرده، برش می‌زنند.

رُشوه [rošve]

بین مراسم لک‌برون (رخت‌برون) تا عروسی ممکن است یک تا سه سال و یا بیشتر طول بکشد. در گذشته در این فاصله داماد حق نداشته به خانهٔ عروس برود (مقابلاً عروس نیز حق رفتن به خانهٔ داماد را نداشته است). ولی امروزه رفت و آمد کامل بین دو خانوادهٔ عروس و داماد رواج دارد. در طول مدت ذکر شده و یا بلافاصله بعد از مراسم لک‌برون، مقداری پول که معمولاً باید زیاد باشد، برای خرید جهیزیهٔ عروس از طرف خانوادهٔ داماد هدیه داده می‌شود که در اصطلاح محلی به آن «رُشوه» می‌گویند. امروزه با توجه به وضع مالی داماد و خانواده‌اش ممکن است خانوادهٔ عروس از پذیرفتن رشوه صرف‌نظر کنند.

هدیه عید

در طول مدت نامزدی، خانوادهٔ داماد با فرارسیدن هر عید (نوروز، قربان، فطر و ...) هدایایی شامل برنج، گوسفند و... به خانهٔ عروس می‌برند. از نظر اقتصادی این سنت ممکن است بار مالی سنگینی را به خانوادهٔ داماد تحمیل کند و به همین دلیل امروزه این رسم، کم‌رنگ و در بعضی نقاط به طور کامل منسوخ شده است.

خرج مُطبخ^۱

چند روز قبل از عروسی اصلی، از طرف خانوادهٔ داماد مقداری پول و یا برنج و گوسفند به خانهٔ عروس فرستاده می‌شود تا به عنوان کمک‌هزینهٔ عروسی مورد استفاده قرار دهند که در اصطلاح محلی «خرج مُطبخ» نامیده می‌شود.

عروسی

تزئینات

به طور معمول، مراسم عروسی در لامرد دو روز به طول می‌انجامد. در شب اول که به «شب حنای دزد» معروف است، مراسم حنابندان به صورتی باشکوه صورت می‌گیرد. در این مراسم از چند روز قبل اقدام به آذین‌بندی خانه و اطراف آن می‌کنند. آذین‌بندی‌ها از این قرار است:

چنک‌بندی

چنک [čenek] پارچه‌های کوچک مثلث‌شکل است که از دوختن آنها به یکدیگر به دست می‌آید و چون پارچه‌ها به رنگ‌های مختلف هستند، زیبایی خاصی را به فضای اطراف می‌بخشند. همچنین دانه‌های جو را سوراخ کرده، همانند تسبیح به بند کشیده و به صورت رشته‌رشته به یک طناب اصلی وصل می‌کنند و سراسر حیات را آذین‌بندی می‌کنند.

۱. مُطبخ: مطبخ، آشپزخانه

تزیین دیگر، ایجاد طاق نصرت است. در این نوع تزیین، پایه‌های چوبی بلند را به فاصله دو متر از یکدیگر به زمین کوبیده، دور پایه‌ها را با برگ‌ها و شاخه‌های سبز درخت نخل می‌پوشانند. بالای تیرهای چوبی را نیز با همین برگ‌های نخل (پیش) به صورت هلالی یعنی به صورت طاق درمی‌آورند و بر بالای آن پرچم ایران و پرچم‌های رنگی دیگر نصب می‌کنند. شاید این نوع طاق نصرت بازمانده از جشن‌های شاهانه سلسله‌های پیشین در این سرزمین باشد. به دلیل اینکه منطقه فارس خاستگاه سلسله‌های بزرگ بوده، این سنن بیشتر حفظ شده است. شکوه ایرانی بودن را (به دلیل نصب پرچم‌های زیاد) در عروسی‌های منطقه لامرد و مهر می‌توان دید. از دیگر تزیینات زیبا در مراسم عروسی این ناحیه، نصب پارچه‌های رنگی و جانماز (سجاده) در مکانی است که قرار است عروس یا داماد دست و پای خود را حنا بگذارند. در این مکان پارچه‌های رنگی را (به طول ۴ متر و عرض ۳ متر) به قسمتی از دیوار حیاط خانه نصب می‌کنند. بر روی پارچه‌ها چند سجاده زیبا به صورت ضربدری می‌چسبانند. در بالای سجاده‌ها یک آینه بزرگ نصب می‌کنند. تزیینات پارچه‌ای دیگری را نیز به شکل پروانه درآورده، به همراه کاغذهای رنگی روی پارچه‌ها می‌چسبانند. چنین آذین‌بندی هم در خانه عروس و هم خانه داماد به طور جداگانه صورت می‌گیرد.

شب اول عروسی به «حنای دزد» معروف است که بعد از پایکوبی - که شرح آن در پی می‌آید - به دست و پای عروس و داماد حنا می‌بندند؛ به این طریق که داماد بر روی صندلی یا بالشتی که در کنار آذین‌بندی پارچه‌ای مذکور است نشسته، چند نفر جوان دیگر که هنوز ازدواج نکرده‌اند نیز در کنار وی دست‌های خود را حنا می‌بندند. سینی حنا به ترتیب زیبایی تزیین شده است؛ بدین گونه که در عصر همان روز حنا را درست کرده، درون سینی‌ای که با انواع گل تزیین شده، قرار می‌دهند. به همراه سینی حنا، چند سینی بزرگ دیگر را پر از انواع گل (طبیعی یا مصنوعی) می‌کنند و آنها را به طرز زیبایی می‌چینند. رسم بر این است که در یکی از سینی‌ها یک کله‌قند بزرگ را که با پولک‌های رنگی زینت داده شده، به همراه تعدادی شمع و تخم مرغ رنگی در وسط سینی قرار داده، در اطراف آن مقداری گل می‌گذارند (دلیل گذاشتن کله‌قند را شیرین شدن زندگی می‌دانند).

در ابتدا قبل از شروع حنا بستن، چند نفر از نزدیکان داماد یا عروس سینی‌های گلکاری شده را - که معمولاً ۴ یا ۵ سینی است - بر روی سر گذاشته، در حلقه پایکوبان می‌چرخانند. بعد برای بستن حنا سینی حنا را نزد داماد یا عروس (در منزل عروس و داماد هم‌زمان این کار به صورت جداگانه صورت می‌گیرد) آورده، شروع به حنا بستن می‌کنند. بعد از تمام شدن مراسم

۱. وجه تسمیه آن مشخص نیست. شاید به این دلیل بوده که در شب حنا می‌بسته‌اند.

حنای دزد در خانه داماد، مقداری از حناها را نگاه داشته، به همراه دیگر سینی‌های حاوی گل، در همان شب با شادی و هلهله به خانه عروس می‌برند و در آنجا دست و پای عروس و داماد را در کنار یکدیگر مجدداً حنا می‌بندند. در طول مراسم حنابندان به همراه نواخته شدن ساز و نقاره محلی و یا تنبک و نی‌آبان - که به ریتم‌های مختلفی نواخته می‌شود- مردها به چوب‌بازی می‌پردازند.

در زمانی که دست و پای عروس و داماد را حنا می‌بندند، فردی خوش‌صدا، «بیت‌خوانی» می‌کند. این «بیت»ها، شعرها و ترانه‌ها و دوبیتی‌هایی است که اغلب شاعر و سُراینده آنها نامعلوم است و نسل به نسل به‌صورت سینه به سینه نقل شده‌اند. در مراسم بیت‌خوانی، خواننده پس از خواندن هر بیت، منتظر شنیدن جواب اطرافیان می‌ماند که این خواندن و جواب دادن با کف زدن هماهنگ حاضران همراه می‌شود.

در اشعاری که در مراسم عروسی خوانده می‌شود، به غیر از حنابندی، بیشتر بر روی واژه «نگار» تأکید شده و یا ابیاتی است در وصف ائمه اطهار(ع)^۱

مراسم روز دوم عروسی معمولاً از ظهر شروع می‌شود. دادن ولیمه ناهار یا شام از ویژگی‌های این روز است. تعداد مهمانان در عروسی‌های این منطقه معمولاً زیاد است. به طوری که به ندرت از دو یا سه هزار نفر کمتر می‌شود. دو روز قبل از عروسی، چند نفر به در خانه‌های اهالی رفته، آنها را به عروسی دعوت می‌کنند. در عصر روز دوم، مراسم حنابندان دوباره تکرار می‌شود

۱. تمام مراحل عروسی اشعار خاص خود دارد که در آخر این مقاله آورده می‌شود.

در زمانی که دست و پای عروس و داماد را حنا می‌بندند، فردی خوش‌صدا، «بیت‌خوانی» می‌کند. این «بیت»ها، شعرها و ترانه‌ها و دوبیتی‌هایی است که اغلب شاعر و سُراینده آنها نامعلوم است و نسل به نسل به‌صورت سینه به سینه نقل شده‌اند.

که مشابه حنابندان شب قبل (حنای دزد) است؛ ولی به دلیل اینکه در روز انجام می‌شود، شکوه بیشتری دارد. در این روز نیز همچون شب گذشته چوب‌بازی (ترکه‌بازی) و پایکوبی ادامه می‌یابد. در برخی از نقاط، قبل از حنا بستن داماد، مراسم «سرتراشون» برگزار می‌شود و پیرایشگر، سر داماد را در میان جمع اصلاح می‌کند. در اینجا نیز ابیات خاص این مراسم خوانده می‌شود. بعد از حنا بستن و اصلاح، داماد به شست و شوی سر و دست و پای خود می‌پردازد و برای مراسم «سر رو بردن» آماده می‌شود.

سر رو بردن

در این مرحله لباس‌های جدید داماد را که از قبل در چمدان یا پارچه‌ای گذاشته‌اند، بر روی سر می‌گذارند و داماد به همراه دیگر مهمانان به کوه یا صحرای نزدیک

۲. سر رو بردن در اصل یعنی «سر رود بردن» یا «سر او (آب) بردن». چون در گذشته داماد را به کنار رود یا چشمه‌ای می‌بردند تا سر و روی خود را بشوید. با گذشت زمان به اختصار کلمه «رود»، «رو» تلفظ و «سر رو بردن» مصطلح شده است.

خانه رفته، لباس‌های نوی خود را می‌پوشد. درون چمدان داماد باید حتماً یک یا چند شیشه عطر مرغوب نیز وجود داشته باشد!

در بعضی مناطق، در ضمن مراسم سر رو بردن، مسابقه اسب‌سواری نیز برگزار می‌شود که یکی از رسوم جالب توجه به هنگام اسب‌سواری این است که مقداری برگ سبز درخت نخل (کات) را به فواصل معین روی زمین می‌گذارند و سوارکاران در حالی که اسب را می‌تازند، باید از زین اسب خارج شده، با یک دست برگ‌ها را بردارند. سوارکاری که بیشترین برگ را جمع کرده باشد، برنده اعلام می‌شود. این نوع سوارکاری به مهارت زیادی نیاز دارد. امروزه تنها در بعضی از مناطق سوارکاری صورت می‌گیرد و بخش جمع‌آوری برگ نخل در حین سوارکاری نیز به طور کامل منسوخ شده است.

لباس‌های داماد در گذشته عبارت بودند از شال و قبا، پاچه (شلوار)، پیراهن بلند (سبک قاجاری)، ملکی (کفش) و کلاه. پیراهن (جومه) به رنگ سفید، شال به رنگ‌های شاد و متنوع، کلاه به رنگ قهوه‌ای، ملکی (کفش) به رنگ سفید و قبا از جنس پارچه قلمکار بوده است. قبا دارای خطوط سبز و سرخ رنگ بوده است (امروزه کت و شلوار رسمی مورد استفاده است). رسم بر این است که لباس‌های کهنه داماد را نیز به استادی که ساز و دُهل می‌نوازد، هدیه می‌دهند. به هنگام تعویض لباس داماد در مراسم «سر رود»، دو نوار پارچه‌ای به رنگ‌های سبز و قرمز به بازوی داماد می‌بندند که نشان

۱. مورد استفاده آن در پی می‌آید.

از اعتقادی کهن دارد. همچنین در گذشته علاوه بر بازوها، به گردن داماد نیز نوار پارچه‌ای می‌بستند که نوار پارچه‌ای دور گردن به رنگ سبز و و نوارهای دور بازو به رنگ سرخ بود. دستمالی هفت‌رنگ نیز داخل جیب پیراهن او می‌گذاشتند؛ به طوری که یک تکه از آن از جیب بیرون زده باشد. امروزه فقط به بازوها پارچه‌ای سبز رنگ می‌بندند. رنگ سبز را نشان شجاعت و رنگ قرمز را به معنای خون شهید می‌دانند. غالباً این پارچه‌ها را از کربلا و دیگر اماکن مقدسه به جهت تبرک می‌آورند. امروزه مفهوم رنگ‌های پارچه عوض شده و تلقی عمومی این است که برای جلوگیری از چشم‌زخم نوار پارچه‌ای را به دور بازوی داماد می‌بندند.

بعد از اینکه داماد لباس‌های جدید را پوشید، دو نفر بازوهای او را می‌گیرند و در میان مهمانان می‌گردانند تا با وی روبوسی کرده، به وی تبریک بگویند. یکی از کسانی که بازوی داماد را گرفته، باید مرتباً به افرادی که با داماد روبوسی می‌کنند، عطر بزنند. در این مراسم نزدیکان داماد بر سر و روی وی نقل و شیرینی و پول می‌ریزند. «در گذشته در بعضی مناطق رسم بر این بود که پدر داماد خنجری به نشانه قدرتمندی و حفاظت از حریم خانواده به داماد می‌داد.» (موسوی، ۱۳۸۷: ۲۹). همچنین در منطقه «کال» رسم بر این است که در این هنگام هر کس به وسع خود مقداری پول در جیب داماد می‌گذارد.

در گذشته بعد از مراسم سر رود بردن، دوباره سینی‌های گل و حنا را به خانه عروس می‌بردند و مراسم حنابندان را یک بار دیگر اجرا می‌کردند. امروزه این رسم منسوخ شده است. هرچند که مراسم حنابندان در

خانه پدر عروس در عصر همان روز جداگانه انجام می‌شود. به طور کلی مراسم حنابندان دوبار در عروسی اجرا می‌گردد.

شب دوم عروسی

در ابتدای شب، زنان آرایشگر به آرایش و زیبا کردن عروس می‌پردازند. در گذشته آرایش عروس زیاد تجملی نبود و فقط موهای عروس را با روغن حیوانی جلا می‌دادند و سُرْمه نیز بر چشم او می‌کشیدند.

لباس عروس

در گذشته، سکه‌های رایج را سوراخ می‌کردند و به دور «کَلْتِه» (نوعی روسری) می‌دوختند. لباس عروس همان لباس گشاد محلی یعنی «تُنبان» و به رنگ سرخ، سبز و یا زرد بود. سکه‌هایی نیز به دور یقه از بالا تا پایین می‌دوختند.

از دیگر زیورآلات عروس، گوشواره نقره بود. امروزه در بعضی مناطق رسم بر این است که اسکناس‌هایی را با سنجاق به نشانه خیر و برکت به لباس عروس نصب می‌کنند. عروس‌های امروزی، تمامی رسوم قدیمی را کنار گذاشته، به سبک امروزی به آرایش می‌پردازند. از اوایل شب دوم عروسی تا انتهای شب که عروس را به خانه داماد می‌برند، مراسم پایکوبی، چوب‌بازی (تَرکه‌بازی) و بیت‌خوانی به صورت پیوسته صورت می‌گیرد. در گذشته در شب دوم عروسی نوعی تئاتر نیز اجرا می‌شد که به «تاتَه‌پیرمرد» یا «جانک» معروف بود.

در اواخر شب طایفه داماد به خانه عروس رفته، آماده

انتقال وی می‌شوند. در گذشته رسم نبوده که داماد به همراه طایفه‌اش به خانه عروس برود؛ اما امروزه که داماد نیز برای آوردن عروس می‌رود، به محض اینکه در کنار عروس قرار گرفت، دسته گل‌های همدیگر را که به دست دارند، با یکدیگر عوض می‌کنند. در این هنگام بعد از کمی پایکوبی در خانه عروس، به بزرگان خانواده عروس اطلاع داده می‌شود که قصد بردن عروس را به خانه داماد دارند. در این هنگام، به‌طور نمادین پدر عروس و دیگر محارم عروس که مرد هستند، به کنار وی آمده، بعد از بوسیدن، در گوشی به او می‌گویند که از طرف ما اجازه رفتن داری و به وی تبریک می‌گویند. در این هنگام، نقاره‌زن‌ها ریتم موسیقی را در حالتی غم‌انگیز می‌نوازند و به ایراد شعرها و ترانه (بیت)‌هایی در وصف جدایی عروس از خانواده‌اش می‌پردازند (که ممکن است باعث گریه عروس و خانواده‌اش بشود). در کنار در خانه، عروس را از زیر قرآن رد می‌کنند و به این ترتیب مراسم عروسی در خانه عروس پایان می‌یابد.

پس از آن، در خانه داماد، جلوی پای عروس گوسفندی را قربانی می‌کنند و عروس باید نوک کفش خود را در خون قربانی بزند و بعد وارد شود. در سال‌های اخیر، عروس با گفتن جمله «آزادش کن»، جلوی قربانی کردن گوسفند را می‌گیرد و قصاب نیز نباید گوسفند را قربانی کند زیرا اعتقاد دارند که وقتی همه شاد هستند، شگون ندارد سر گوسفند بریده شود.

پانداز (پشت قباله)

«پانداز» رسمی است که عروس به هنگام ورود به خانه داماد و حجله، هدیه‌هایی طلب می‌کند. در گذشته،

چند نوع پانداز رایج بوده است. یکی از پاندازها، «اوساربها» یا «افساربها» نام داشت. افساربها برای این بوده که عروس سوار الاغ شود. «دلاک» نیز افساربها طلب می‌کرد تا افسار الاغ عروس را بگیرد. برای این کار، اطراف سربند دلاک، پول و شاباش می‌ریختند.

پانداز دوم که عروس به هنگام ورود به حیاط خانه داماد طلب می‌کرد، به «خیر خانه» مشهور بود. در این هنگام، عروس، سه جا می‌نشست و داماد به کنار او می‌آمد و در گوشی یا با صدای بلند به او پاسخ می‌داد: «تو خودت خیر خانه هستی». یعنی تو در زندگی و مسائل مالی با من شریک هستی و اجازه داری هر کاری بکنی. مثلاً اگر فقیری به در خانه آمد، تو بدون اجازه شوهر می‌توانی به او کمک کنی. در پانداز سوم به عنوان نمونه چند اصله درخت نخل را به عروس وعده می‌دادند. اگر پانداز دادن به طول می‌انجامید، طایفه عروس از قول عروس صدا می‌زدند:

نیگردم و نیگردم

اگه نمی‌خواهی برمی‌گردم

پانداز چهارم به هنگام ورود عروس به حجله بود که عروس مقداری خرما طلب می‌کرد تا بالای در حجله قرار دهند تا زندگی شیرین شود. امروزه به جای خرما چهار حبه قند به دست عروس داده می‌شود تا در چهار گوشه خانه بیندازد و اگر خرما یا قند ندهند، عروس وارد حجله نمی‌شود. «در بعضی نقاط شهرستان، مثل «اشکنان»، رسم بر این است که بشقابی از حلوا جلوی عروس و داماد می‌آورند تا مقداری از حلوا را به دهان بگذارند.» (موسوی، ۱۳۷۸: ۳۳). حلوا نیز برای شیرین شدن زندگی است. بعد از ورود عروس به خانه جدیدش

نیز مدتی به شادی و پایکوبی می‌پردازند. در تمام مدتی که عروس در راه رفتن به خانه داماد است، آینه‌ای را روبروی عروس به حرکت درمی‌آورند.

بعد از پانداز، عروسی تمام می‌شود و عروس وارد حجله می‌شود. در گذشته رسم بر این بوده که تعدادی از بستگان نزدیک داماد پشت پرده حجله می‌نشستند و شروع به کل زدن می‌کردند.

مبارک‌باد

صبح روز بعد از عروسی، نقاره‌زن‌ها شروع به نواختن می‌کنند و عده‌ای نیز به پایکوبی می‌پردازند. ریتم این نقاره‌زنی با مراحل قبل تفاوت دارد و معمولاً شادتر است. رسم مبارک‌باد به نشانه این است که مراسم عروسی به خوبی و میمنت و مبارکی به پایان رسیده است. در محدوده دهستان «کال» رسم بر این است که صبح روز بعد از اتمام عروسی، خانواده عروس صبحانه آماده کرده، به خانه داماد می‌فرستند.

ری‌گوشون

ری‌گوشون [rigušun] همان هدیه بردن و به دیدار عروس و داماد رفتن است که بعد از مراسم عروسی از همان روز اول شروع می‌شود. بستگان و آشنایان با تقدیم پول و یا هدیه به خانه جدید عروس و داماد می‌روند. در این شهرستان، هنوز هم رسم بر این است که اغلب «پول» را برای هدیه بردن انتخاب می‌کنند؛ زیرا اعتقاد عمومی بر این است که با پول می‌توان کارهای بیشتری کرد. مهمانان مرد در اتاقی جداگانه و مهمانان زن در حجله عروس و داماد - که اتاقی است که بدین منظور با پارچه

موسیقی

موسیقی مراسم عروسی توسط هنرمندانی که «کولی»^۱ نامیده می‌شوند، اجرا می‌شود. آلات موسیقی شامل ساز بزرگ کرنا، نقاره یا دهل، تنبک و نی انبان است.

جهیزیه

جهیزیه عروس در گذشته، بسیار ساده بود. طبق گفته افراد سالمند، جهیزیه شامل این اقلام بود: مَشک آب، هُوَار (نوعی طناب پهن بافته شده از موی بز)، لَکارد (نوعی گلیم بافته شده از پشم جهت پخت نان)، گچسین (از جنس سنگ جهت پخت نان)، چوبه (وردنه)، ششس یا هفت عدد آینه، چند عدد کاسه و بشقاب مسی یا چینی، خورجین، خورجین ویژه حمل آب توسط چهارپا، شیرینی (شامل انجیر و مویز)، رُخ (نوعی بافته که در روسری کلته کاربرد دارد)، دوماک (نوعی طناب محکم شبیه کش و مورد استفاده در لباس‌های زنانه) و کیسه‌ای کوچک جهت نگهداری تنباکو که بعد از عروسی به مردهایی که هدیه «ری‌گوشون» می‌آوردند، داده می‌شد. امروزه جهیزیه عروس در این منطقه همان است که در دیگر نقاط ایران نیز رواج دارد. نکته قابل توجه در لامرد این است که با توجه به جغرافیای منطقه که کم آب

نکته قابل توجه در لامرد این است که با توجه به جغرافیای منطقه که کم آب است و آب شیرین از آب انبار تأمین می‌شود، چند دبه حمل آب نیز جزو جهیزیه عروس قرار می‌گیرد.

و اشیاء زینتی تزئین شده - پذیرایی می‌شوند. رسم بر این است که به هنگام خداحافظی مقداری شیرینی - که اغلب آجیل است - و یک جفت جوراب نو یا شانه و یا «رُخ» (نوعی روسری دست‌باف) - که نشانه هدیه است - به رسم تشکر به مهمانان داده می‌شود (این هدایا معمولاً به زنان و بچه‌ها داده می‌شود).

لازم به یاد آوری است که در مراسم ری‌گوشون، مادر عروس باید حتماً در کنار عروس باشد و از مهمانان پذیرایی کند. برعکس در بعضی نقاط، رسم بر این است که مادر عروس تا سه روز حق ندارد به خانه دختر خود بیاید؛ زیرا این کار را نوعی بی‌شرمی می‌دانند.

واطلبون یا پاکشایی

«واطلبون» یعنی «واطلبیدن»، «مجدد طلبیدن» یا دعوت کردن عروس به خانه پدری که همان مراسم «پاکشایی» است. بعد از این مراسم، عروس می‌تواند به خانه پدرش رفت و آمد کند؛ در حالی که قبل از آن حق این کار را نداشت. در مراسم واطلبون، طایفه داماد برای صرف ناهار یا شام از طرف خانواده عروس دعوت می‌شوند. بعد از صرف غذا و به هنگام خداحافظی، پدر و مادر عروس معمولاً هدیه‌ای را که چشمگیر باشد، به دخترشان می‌دهند. به این ترتیب کل مراسم عروسی پایان می‌پذیرد.

۱. برای اطلاع بیشتر در مورد کولی‌ها رجوع کنید به: حسین تهرانی، ندا، «مطالعه و مقایسه قومی تاریخ‌نگاری کولی‌های ساکن در پس کرانه‌های خلیج فارس با کولی‌های ایرانی مقیم هند و نگاهی بر تأثیرات کولی‌های هندی بر زندگی آنها»، همایش بین‌المللی خلیج فارس، تهران، ۱۳۸۱

است و آب شیرین از آب‌انبار تأمین می‌شود، چند دبه حمل آب نیز جزو جهیزیۀ عروس قرار می‌گیرد.

جواب: بادا بادا عیشت مبارک بادا
زن به کاکوی ما بدین
که اصل ما بعس (بهتر) خوتون (خودتون)
جواب: بادا بادا عیشت مبارک بادا

شعرها و ترانه‌های رایج در عروسی

در اینجا به صورت موردی به برخی از دوبیتی‌هایی که در مراسم عروسی با آهنگی خاص و به همراه دست زدن خوانده می‌شود، اشاره می‌کنیم. این ترانه‌ها در اصطلاح محلی به «بیت» معروف است و بیشتر در قالب دوبیتی است. تقریباً برای هر کدام از مراحل مختلف عروسی که توضیح داده شد، «بیت» خوانده می‌شود و هر مرحله ترانه مخصوص به خود دارد. این اشعار و ترانه به چند دسته تقسیم می‌شوند:

تصنیف مراسم لک‌برون (رخت‌برون)

«سارخ» کاکام رو سرم
آخونه فلانی می برم

رخت کاکام ری (روی) سرم
جواب: باد مبارک باشه داماد سلامت باشه
کی بوزه کی وادوزه^۲

۱. ترانه‌هایی که به «نگارا» معروفند؛ زیرا خواننده پس از خواندن هر مصرع، می‌گوید: «نگاره نگارا و نگاره نگارا» و شنوندگان نیز یک صدا آن را تکرار می‌کنند.

۲. اشعاری که آخر آن مصرع «بادا بادا مبارک بادا» آورده می‌شود.

فاطمه خیر النسا
جواب: باد مبارک باشه داماد سلامت باشه

۳. اشعار «سرکولی»، که نفر اول یک بیت شعر را می‌خواند و دیگری در جواب وی بیت دیگری را می‌خواند.

۴. اشعار حنابندی که به دنبال هر مصرع، مصرع «حنابندی حنابد و حنابندان داماد (عروس)» آورده می‌شود.

۵. اشعار مذهبی که در مدح چهارده معصوم (علیهم السلام) خوانده می‌شود.

تصنیف مراسم حنابندی

حنابندی حنابندو حنابندون عروس
حنابندی حنابندو حنابندون عروس
به قربان حنای پشت دستت و

تصنیف مراسم خواستگاری

ما دو تا بالا می‌آییم
جومه مون سبز کتون

۱. چه کسی برود؟
۲. چه کسی بدوزد؟

حنابندی حنابندو حنابندون عروس
 حنای پشت دست نقش بسته و
 حنابندی حنابندو حنابندون عروس
 خودم چاق می‌کنم می‌دم به دستت و
 حنابندی حنابندو حنابندون عروس
 سر راهت نشینم فال گیرم
 حنابندی حنابندو حنابندون عروس
 سر راهم دو تا شد وای بر من و
 حنابندی حنابندو حنابندون عروس
 رفیق از مو جدا شد رفت به غربت و
 حنابندی حنابندو حنابندون عروس
 به غربت آشنا شد وای بر من و
 حنابندی حنابندو حنابندون عروس
 دم کوچه که قدم وای نمی‌شه و
 حنابندی حنابندو حنابندون عروس
 سر کوی بلندم وای بر من و
 حنابندی حنابندو حنابندون عروس
 سر کوی گوتو تش^۱ می‌کنم و
 حنابندی حنابندو حنابندون عروس
 گلیمای میخکی رنگ می‌کنم و
 حنابندی حنابندو حنابندون عروس
 گلیمای میخکی رنگی نداره و
 حنابندی حنابندو حنابندون عروس

تو قلبیون چاق نکن دستت میسوزه و
 حنابندی حنابندو حنابندون داماد

۱. آتش

خودم چاق می‌کنم می‌دم به دستت و
 حنابندی حنابندو حنابندون داماد

شیردومای باپدر تکیه زده بالشت زر
 باد مبارک بادا داماد سلامت بادا
 عمر صدساله آجونش تا بگیره جوی پدر
 باد مبارک بادا داماد سلامت بادا

تصنیف مراسم سرتراشون

أسا پلنگ سرتراش سر داماد بتراش
 هموجا که سر می‌تراشیدن آب و گلاب می‌پاشیدن
 أسا پلنگ سرتراش سر داماد بتراش
 هموجا که سر می‌تراشیدن نقل و نبات می‌پاشیدن
 أسا پلنگ سرتراش سر داماد بتراش
 خر سواریت می‌دم که شوختر^۲ بتراش
 أسا پلنگ سرتراش سر داماد بتراش
 ماشین کویتتات می‌دم کمی زودتر بتراش
 أسا پلنگ سرتراش سر داماد بتراش
 صندوق پلیتت^۳ آت می‌دم کمی زودتر بتراش

تصنیف مراسم سر روبردن

اناز کارش^۴ می‌کنن کاکای جونیش حالا
 گل آگلدون می‌زه، داما به حموم می‌زه

۲. زیباتر

۳. صندوق آهنی، در مناطق لامرد برای اشیاء فلزی کلمه «پلیت»

انگلیسی را به کار می‌برند.

۴. اناز کار کردن: به کاری یا امری رسیدگی کردن

سر راهش می‌زنی خیمه شادی حالا

گل آگلدون می‌زه، داماد به حموم می‌زه

آنار کارش می‌کنن دادای^۱ جونیش حالا

گل آگلدون می‌زه، داماد به حموم می‌زه

میل پَسین^۲ داماد اسبا به زین داماد

می‌شینی^۳ و دلداری کنم کوتش^۳ طلاکاری کنم

میل پَسین داماد اسبا به زین داماد

می‌شینی^۳ و دلداری کنم کوتش قلم‌کاری کنم

میل پَسین داماد اسبا به زین داماد

می‌شینی^۳ و دلداری کنم ساعتش طلاکاری کنم

میل پَسین داماد اسبا به زین داماد

می‌شینی^۳ و دلداری کنم پیرهنش قلم‌کاری کنم

اشعار زیر به هنگامی که داماد در حال لباس نو

پوشیدن است، زمزمه می‌شود:

آسمون پرستاره، ماه نو جولون زده

بادا بادا مبارک بادا عیشش مبارک بادا

دور یقه آقادات آشرافی غلتون زده

بادا بادا مبارک بادا عیشش مبارک بادا

کاکای جانی غم مخور

بادا بادا مبارک بادا

که نون آلشکر داده‌ایم

بادا بادا مبارک بادا

به هنگام پذیرایی از مهمانان

چوی (چوب) هیل و چوی میخک لنگه دروازه‌تن

بادا بادا مبارک بادا

صحن و سفره آقادات، در یمن آوازه‌شین

بادا بادا مبارک بادا

هنگامی که خانواده داماد قصد آوردن عروس را دارند

آشرافی تو چتر عاروس

مثل ریگ رودخونه

خبر آ داما بدی

گلت آمه نشه^۴

بیو تا بر شیم^۵

یار داما بیاریم

یار کاکام چش غزالین^۶

ماه تابان بیاریم

به هنگام پخت نان عروسی

نون قندی پخته‌ایم

بادا بادا مبارک بادا

بر غنچه‌ها ورچیده‌ایم

بادا بادا مبارک بادا

به هنگام برخاستن عروس و آماده شدن وی برای

رفتن به خانه داماد

گل پاشو گل پاشو گل پاشو

۴. خبر به داماد بدهید که گلش (عروس) آمده و نشسته است.

۵. بُر: جمع شدن

۶. چش: مخفف چشم، همانند چشم غزال

۱. دادا: خواهر

۲. میل پَسین: نزدیک عصر

۳. کوت: کت، کت و شلوار

گل پاشو گل پاشو گل پاشو

رای (راه) ما دورن جان^۱

گل پاشو گل پاشو گل پاشو

آب ما شورن جان

گل پاشو گل پاشو گل پاشو

موقع پسینن، آسیا بر زینن جان^۲

گل پاشو گل پاشو گل پاشو

مردمُون یاری کنید

از ما وفاداری کنید

یه گلی از ما گرهتید

خوب نگهداری کنید

عروس جان پا وردار، پا بگذار

گل از گپت، ناز آ داما بکن تا پولت بده

جواب: باد بادا عیشت مبارک بادا

عروس جان چرا نمی‌ری؟

عروس جان می‌کنی شب شب گیرونی

بریزم پارچه ایرونی

جواب: بادا بادا عیشت مبارک بادا

بر چه تو دل گیرونی؟

جواب: بادا بادا عیشت مبارک بادا

به هنگام ورود عروس به خانه داماد و طلب «پانداز»

سر سرانداز^۳ می‌خواود

عروس پانداز می‌خواود

نگارِ ناز، قدمت ناز بردار

به لب غمگین و پا اغماز بردار

در فضای داماد رسیدی

هاموجا وایس^۴، پانداز بردار

همچنین چنانچه دادن پانداز از طرف داماد به طول

بینجامد، طایفه عروس زمزمه می‌کنند:

نیگردم و نیگردم

اگه نمی‌خواهی بر می‌گردم

تصنیف‌های پراکنده

منظور از تصنیف‌های پراکنده، شعرهایی است که

اختصاص به مرحله خاصی از عروسی ندارد. در ادامه چند

نمونه از این اشعار را ذکر می‌نماییم.

در وصف چهارده معصوم (ع)

اول خوانی خدا را رسول انبیا، را علی مرتضی را

جواب: صل علی محمد صلوات بر محمد

صلوات را خدا گفت جبرئیل بارها گفت بر شأن

مصطفی گفت

جواب: صل علی محمد صلوات بر محمد

بعد از علی، حسن بود چون غنچه در چمن بود

جواب: صل علی محمد صلوات بر محمد

بوی حسین شنیدیم چون گل شکفته دیدیم

۳. سرانداز: روسری

۴. همانجا بایست

۱. راه ما دور است.

۲. به هنگام عصر است و اسب‌ها بر زین و آماده حرکت است.

جواب: صل علی محمد صلوات بر محمد

زین العباد بیمار سجاد هست و تبار یعنی که شاه
 عباد

جواب: صل علی محمد صلوات بر محمد

باقر امام دین است نور خدا یقین است فرزند عابدین
 است

جواب: صل علی محمد صلوات بر محمد

جعفر به صبح صادق هم نور، هم مبارز تاج سر
 خلاق

جواب: صل علی محمد صلوات بر محمد

موسای باسعادت باذکر و باعبادت سردار باجلالت
 جواب: صل علی محمد صلوات بر محمد

هشتم رضا امام است از ضامنی تمام است شاه
 غریب، بنام است

جواب: صل علی محمد صلوات بر محمد

ما شیعه جوادیم امام ما جوان بود بر حق و حق دار
 بود

جواب: صل علی محمد صلوات بر محمد

ما شیعه نقی ایم محتاج عسکری ایم
 جواب: صل علی محمد صلوات بر محمد

مهدی به تاج نورش با احمد و رسولش
 ظهورش نزدیک شد

جواب: صل علی محمد صلوات بر محمد

تصنیف‌های نگارا

لب بون اومدی چادر طلائی و

نگاره نگارا و نگاره نگارا

سر و گردن به عاشق می‌نمایی و

نگاره نگارا و نگاره نگارا

سرت با گردنت عیبی نداره و

نگاره نگارا و نگاره نگارا

همون عیبی که داری بی‌وفایی و

نگاره نگارا و نگاره نگارا

ستاره آسمون نقش زمین و

نگاره نگارا و نگاره ی نگارا

خودت انگشتر و یارت نگین و

نگاره نگارا و نگاره نگارا

خداوندا نگه دار نگین باش و

نگاره نگارا و نگاره نگارا

که یار اول و آخری همین و

نگاره نگارا و نگاره نگارا

منابع

- بالود، محمد، فرهنگ عامه در منطقه بستک، قم:
 همسایه، ج اول، ۱۳۸۴.

- حسین تهرانی، نداء، «مطالعه و مقایسه قومی و
 تاریخنگاری کولی‌های ایرانی ساکن در پس کرانه‌های
 خلیج فارس با کولی‌های ایرانی مقیم هند و نگاهی بر
 تأثیرات کولی‌های هندی بر زندگی آنها»، همایش خلیج
 فارس، تهران، ۱۳۸۸

- موسوی، سید علی، آداب و رسوم، علما و شعرای
 تراکمه و حومه، فیروزآباد: دانشگاه آزاد اسلامی، ج اول،
 ۱۳۸۷.